

پیکاسو

در خیابان کارگر

مریم فضائلی
خبرنگار گروه فرهنگ

با شروع روزهای بهاری موزه هنرهای معاصر تهران دوباره جان گرفت؛ این بار با نقاشی بزرگ که آشارس از دل گنجینه موزه بیرون آمده، یکی از بزرگ‌ترین نام‌های تاریخ هنر جهان، پابلو پیکاسو مقابل چشمان مشتاق هنردوستان ایستاد. نمایشگاهی که نه تنها نگاه‌ها را به‌سوی خود کشاند، بلکه حس کنجکاری و اشتیاقی عمیق را در دل بازدیدکننده‌ها زنده کرد. این نمایشگاه نوروزی، نه تنها رویدادی هنری، که فرصتی تاریخی به شمار می‌آید. به گفته رضا دبیری‌نژاد، سرپرست موزه هنرهای معاصر از ۲۱ اسفند تا ۱۵ فروردین بیش از ۵۵ هزار تماشاگر از این نمایشگاه بازدید کردند. یعنی به‌طور میانگین روزی ۵ هزار نفر ۹ گالری این نمایشگاه را به نیت دیدن ۶۰ اثر از پیکاسو طی کردند. این میزان بازدید در ۵۵ سالی که این موزه ساخته شده قطعاً عدد قابل توجهی است. البته نمایشگاه «چشم در چشم» که در پاییز سال ۱۴۰۳ برگزار شد، جزء یکی از پراستقبال‌ترین نمایشگاه‌ها بود که این بار، پیکاسو روی دست آن بلند شده.

قبل از آغاز این نمایشگاه، خبری منتشر و باعث ایجاد نگرانی‌های زیادی برای اهالی هنر شد. این خبر به آسیب دیدن یکی از آثار گرانبهای پیکاسو در موزه هنرهای معاصر اشاره داشت و اعلام می‌کرد که در جریان مرمت



پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۴



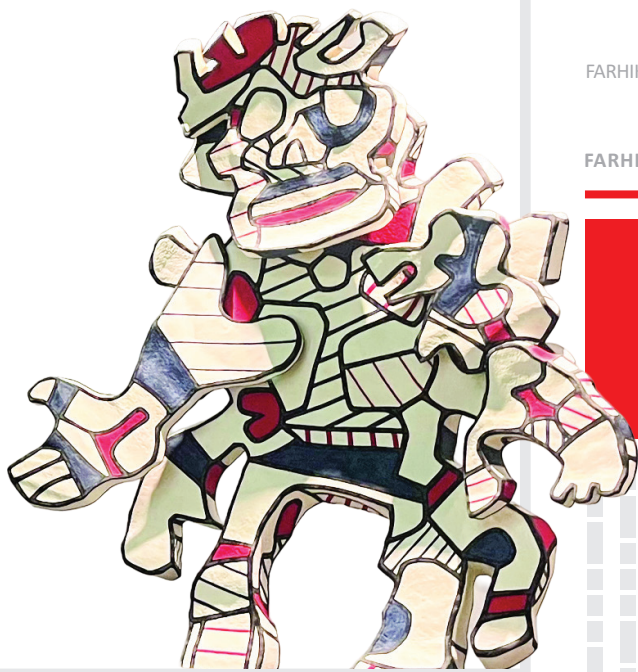
شماره ۴۳۸۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



پیکاسو در تهران

گالری شماره دو با پیکاسوشناسی آغاز می‌شود و به توضیح اهمیت پیکاسو در دنیای هنر می‌پردازد. پیکاسو یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های هنر مدرن است که تأثیر زیادی بر جنبش‌های هنری بعد از خود گذاشته و شهرت او فراتر از دنیای هنر گسترش یافته است. در این گالری، تاریخ زندگی پیکاسو بر اساس دهه‌ها تقسیم شده و اولین نقاشی از مجموعه «نقاش و مدلس» به نمایش درآمده است. این نقاشی که در ۱۹۲۷ ساخته شده، با رنگ‌های محدود و خطوط هندسی و منحنی، بیانی نمادین از رابطه نقاش و مدل را به نمایش می‌گذارد.

در انتهای گالری، مجسمه‌ای به نام «بابون و بچه‌اش» قرار دارد که یکی از آثار منحصر به‌فرد پیکاسوسست. این مجسمه با استفاده از قطعات مختلفی که به‌ظاهر بی‌ارزش و روزمره هستند، به شکلی خلاقانه و با کمک خانواده‌اش ساخته شده است. پیکاسو دو ماشین اسباب‌بازی از پسرش کلود قرض گرفته و با استفاده از آن‌ها، بدن و

معکب‌های عجیب و غریب

گالری «معکب‌های عجیب و غریب» اشاره‌ای به نقد معروف لویی وسل است که در ۱۹۰۸ آثار کو بیستی پیکاسو و براک را «معکب‌های عجیب و غریب» نامید. این سبک که به یکی از مهم‌ترین جریان‌های هنری قرن بیستم تبدیل شد به‌جای نمایش یک زاویه مشخص اشیاء و افراد را از چند زاویه هم‌زمان به نمایش می‌گذارد. در این گالری فیلمی درباره کو بیسم پخش می‌شود و چهار نقاشی با این سبک دیده می‌شود. پیکاسو و براک با همکاری نزدیک کو بیسم را خلق کردند و قواعد پرسپکتیو سنتی را کنار گذاشتند. این سبک تصویری چندبعدی و پیچیده ارائه می‌دهد. هنرمندانی مانند فرنان لژه و رابرت دلونه هر کدام برداشت‌های خاص خود را از کو بیسم داشتند؛ لژه با جنگ و خشونت جنگ جهانی اول، دلونه با رنگ و نور و ریتیم. کولاز و استفاده از مواد غیر سنتی مانند روزنامه و پارچه نیز ویژگی‌های این سبک بود. کو بیسم با استفاده از فرم‌های مثل معکب، استوانه و مخروط، ساختار سنتی نقاشی را فرو ریخت و راهی جدید برای بیان احساس و حرکت ایجاد کرد. تأثیر این سبک در هنر معاصر همچنان ادامه دارد.

این اثر، کارهای غیراصولی انجام شده. گزارش‌ها از روش‌های غیرعلمی و مر مست بدون حضور متخصصان معتبر صحبت می‌کردند و این موضوع باعث شد بسیاری از علاقه‌مندان به هنر به‌شدت نگران سلامت و وضعیت آثار هنری شوند. با این حال، وقتی از مسئولان گالری‌ها که در نمایشگاه حضور داشتند، پرس‌و‌جو شد، به‌وضوح اعلام کردند که چنین حادثه‌ای رخ نداده است و این خبر صحت ندارد. آن‌ها تأکید کردند که هیچ‌گونه آسیب جدی به آثار وارد نشده و تمام آثار در وضعیت خوبی قرار دارند. این تکذیب البته تا حدودی آرامش را به فضا بازگرداند، اما همچنان نگرانی‌هایی در میان هنردوستان وجود داشت. بسیاری از آن‌ها نگران شرایط نگهداری آثار و نحوه مراقبت از گنجینه‌های بی‌نظیر بودند. سؤالات زیادی در ذهنشان شکل گرفته بود که آیا این آثار به‌درستی و در شرایط مناسب نگهداری می‌شوند؟ سؤالاتی که تا به امروز هیچ کدام از مسئولان مربوطه پاسخی به آن نداده‌اند. با وجود این نگرانی‌ها، نکته‌ای که موجب دلگرمی بسیاری از هنردوستان شد، این بود که در گنجینه باز شده و آثار پیکاسو و دیگر هنرمندان بزرگ به نمایش عمومی گذاشته شده‌اند. این اقدام باعث شد تا علاقه‌مندان به هنر، با شور و شوق بیشتری به تماشای این آثار بپردازند و از فرصت بی‌نظیری که برای دیدن این شاهکارها فراهم شده بود، استفاده کنند. به‌طور کلی، این نمایشگاه فرصتی برای مخاطبان فراهم کرد تا با آثار برجسته‌ترین هنرمندان قرن بیستم روبه‌رو شوند.

خوش آمدگویی به سبک مجسمه‌های غول پیکر

این بار، موزه هنرهای معاصر که صرفاً مکانی برای تماشای اثر نبود؛ به صحنه‌ای تبدیل شد که در آن می‌شد قدم به‌قدم با پیکاسو راه رفت و لابه‌لای خطوط شلوغ و رنگ‌های پریهاپریش، به کشف معنای آثار رسید. برخلاف عمده نمایشگاه‌هایی که در این ساختمان برگزار شده بود، با ورود به سالن، اثری برای نمایش آماده نشده بود. در عوض ۵ مجسمه از مجموعه هینت نمایندگان مجسمه‌های غول پیکر «ژان دو یوفه»، برای استقبال از افراد آماده‌ایستاده بودند. «فرصت‌طلب»، «ردنکتون»، «شوخی طبع»، «لباس زیبا» و «باز پرس» نام ۵ مجسمه‌ای بود که با تکنیک رنگ اپوکسی روی پلی‌اورتان خلق شده بودند. هر ۵ مجسمه به رنگ سفید، آبی و قرمز بودند و با خطوط مشکی رنگ روی آن‌ها نقش بسته بود. این مجسمه‌ها به دست «ژان دو یوفه»، هنرمند نوآور قرن بیستم خلق شده بودند. سبک او با نام «هنر خام» شناخته می‌شود، که در آن از خطوط ابتدایی و رنگ‌های زنده برای نمایش احساسات و چالش‌های انسانی بهره می‌برد. دو یوفه به زندگی مردم عادی و معضلات اجتماعی توجه ویژه‌ای داشت و آثارش به‌وضوح بازتابی از تجربیات انسان‌های روان‌پریش و حاشیه‌نشینان جامعه بود. نمایشگاه نخست او در سال ۱۹۳۳ با انتقادات و حمایت‌هایی همراه شد که تأثیر عمیقی بر مسیر هنری‌اش به جا گذاشت.

سر بابون را به‌گونه‌ای جالب می‌سازد؛ یکی از ماشین‌ها را عمودی و دیگری را وارونه قرار داد تا صورت بابون شکل بگیرد. دم حیوان با فتر اسباب‌بازی ساخته شده و گوش‌ها از دسته‌های فنجان استفاده شده است. شکم بزرگ بابون از یک کوزه سفالی شکل داده شده که دسته‌های آن به‌طور خلاقانه‌ای به جای شانه‌های حیوان عمل می‌کنند. این مجسمه برزی که با تکنیک قالب‌گیری سنتی ساخته شده است، تصویری استعاری از مادرانگی را به نمایش می‌گذارد و هم‌زمان نوآوری‌های پیکاسو در مجسمه‌سازی را نمایان می‌کند. پیکاسو با ترکیب مواد طبیعی و صنعتی و استفاده از تکنیک‌های سنتی، به اشیایی بی‌ارزش و دور ریخته‌شده زندگی و معنا بخشیده است. این اثر نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با بازآفرینی اشیای روزمره و ترکیب آن‌ها با خلاقیت هنری، مفاهیم عمیق و جدیدی خلق کرد. در واقع پیکاسو با این اثر مخاطب را به تأمل درباره ارزش و کاربرد جدید اشیای ساده و همچنین قدرت خلاقیت هنری دعوت می‌کند.



فریاد جنگ، پژواک اندوه

این گالری با وجود اینکه تعداد کمی از آثار نقاشی پیکاسو را به نمایش گذاشته یکی از تأثیرگذارترین بخش‌ها بود. یکی از این آثار، تابلوی «گرینیکا» است که از مهم‌ترین آثار پیکاسو و یکی از برجسته‌ترین نقاشی‌های ضدجنگ به شمار می‌رود. این اثر که با تکنیک چاپ دیجیتال روی پارچه بوم اجرا شده، بازآفرینی از نسخه اصلی «گرینیکا» است که در موزه ریئا سوفیا در مادرید نگهداری می‌شود. «گرینیکا» حاصل ۳۵ روز تلاش بی‌وقفه پیکاسو برای ترسیم وحشت و ویرانی جنگ است. ماجرای این تابلوی مشهور به سال ۱۹۳۷ برمی‌گردد؛ در خلال جنگ داخلی اسپانیا، زمانی که نیروهای هوایی نازی‌های آلمان و فاشیست‌های ایتالیا به درخواست رژیم فرانکو، شهر گرینیکا را بمباران کردند. در یک روز، صدها انسان بی‌گناه جان خود را از دست دادند و این فاجعه جهانی را تکان داد. پیکاسو که معمولاً از سیاست دوری می‌کرد، با دیدن این وحشت و بی‌عدالتی دست به خلق «گرینیکا» زد تا فریادی علیه خشونت، ویرانی و رنج انسان‌ها باشد.



ورود به چند دنیای دیگر پیکاسو

در هرگالری، به جهان‌های متفاوتی که پیکاسو خلق کرده بود وارد و با آثار متفاوت و منحصر به‌فردش روبه‌رو می‌شویم. در گالری «تخیل طبیعت»، تصاویری که پیکاسو از دنیای حیوانات و اساطیر یونان خلق کرده بود حضور داشت. یکی از کارهای جالب در این گالری مجموعه‌ای از ۲۲ چاپ از حیوانات بود که پیکاسو با جزئیات، آناتومی جانوران را نشان داده بود، اما در عین حال ذهن خلاقش را در قالب تصویری آزاد و حتی طنزآمیز از دنیای اساطیر به کار گرفته بود. در این بخش، استندهای گاوپازی پیکاسو هم بود که بازدیدکنندگان می‌توانستند نقش گاوپاز و گاوهارا روی کاغذ بیاورند. گالری بعدی، «رقصی چنین در میانه»، به آثار گاوپازی پیکاسو اختصاص داشت. این نقاشی‌ها که در سال ۱۹۵۷ با تکنیک لیفت گراند روی صفحه‌های مسی کشیده شده‌اند،

عشق پرشور پیرانه‌سر

گالری شماره هشتم مخاطب را به دنیای پرتره‌های ژاکلین روک، همسر دوم پیکاسو، دعوت می‌کند. در اینجا آثاری از عمیق‌ترین احساسات و ارتباطات انسانی را می‌بینی که در طول دوازده سال از زندگی پیکاسو به تصویر کشیده شده‌اند. داستان آشنایی پیکاسو با ژاکلین از یک کارگاه سرامیک ساده آغاز شد. اما خیلی زود این رابطه حرفه‌ای به یک عشق پرشور تبدیل شد. ژاکلین، آن‌چنان پیکاسو را مجذوب خود کرد که چهره‌اش به یکی از پررنگ‌ترین و ماندگارترین موضوعات در نقاشی‌های پیکاسو تبدیل شد. در این گالری می‌توانی ببینی که پیکاسو در سال‌های پایانی زندگی‌اش، بیش از ۴۰۰ پرتره

جوان با تاج برگ موبرسر

قبل از اینکه وارد آخرین گالری این موزه شویم با یکی دیگر از آثار معروف پیکاسو روبه‌رو می‌شویم. این اثر پیکاسو را در ۸۱ سالگی کشیده است، اما برخلاف سن و وضعیت جسمانی‌اش، جوانی پرشور و توانمند را در این نقاشی به تصویر می‌کشد. جوانی که مانند قهرمانان افسانه‌ای یونان برهنه است و تاجی از برگ به نشان خدایان المپ بر سر دارد. این تصویر نتیجه توجه همیشگی پیکاسو به اسطوره‌ها و فرهنگ یونان باستان است.

در این نقاشی، نکته‌ای جالب توجه وجود دارد؛ چهره جوان به شکلی نشان داده شده که هم‌زمان از روبه‌رو و نیم‌رخ دیده می‌شود. این ویژگی که پیکاسو به‌زیبایی آن را خلق کرده، از دوران کو بیستی هنرمند باقی مانده است و نیاز به ذهنی خلاق و آزاد برای انجام چنین کاری دارد. علاوه بر این، چهره جوان از ویژگی‌های آرمانی یونان باستان برخوردار است؛ بنی بدون قوس که به پیشانی متصل است و چانه‌ای کاملاً متمایز، این ویژگی‌ها به‌وضوح به آن سبک هلنیستی اشاره دارند. این اثر در واقع یکی از چندین چاپ لیتونوم است که پیکاسو در سال ۱۹۶۲ به‌وجود آورد. در تکنیک لیتونوم، هنرمند ابتدا طرح‌ش را به سطحی نرم و انعطاف‌پذیر منتقل کرده و سپس بخش‌های رنگی را روی

در این اثر، پیکاسو نه تنها یک شهر بمباران شده را نقاشی کرده، بلکه کابوسی از رنج و مرگ را به تصویر کشیده است. پالت رنگی تکرنگ و تاریک اثر مشکی، سفید و خاکستری گویی پرده‌ای از خاکستر بر زندگی انسان‌ها در دنیایی آکنده از فاجعه است. در این تابلو، زنانی که فریاد می‌زنند یا سوگواری می‌کنند، نماد رنج و ویرانی‌اند؛ مادری که کودک بی‌جانش را در آغوش گرفته، تجسم اندوه مطلق است. این زنان نه تنها نمایندگان رنج مردم گرینیکا هستند، بلکه مظهر قربانیان جهانی جنگ و خشونتند. پیکاسو در مجموعه «زن گرینا» نیز به تداوم این اندوه پرداخته است، با کشیدن پرتره‌های زنانی که در حال سوگواری‌اند؛ زنانی با چشمانی پر از اشک، دهانی گشوده از شسدت درد، که همچنان فریاد می‌زنند و اشک‌هایشان همچون خنجر از صورتشان جاری است. تک‌تک تصاویری که در این تابلو به کار رفته، معنادار بوده و فیلمی که روی دیوار به نمایش در می‌آمد، توضیح‌دهنده این نقاشی بود.

به‌خوبی لحظه‌های پر تنش و پویای میدان گاوپازی را به تصویر می‌کشند. مجموعه‌ای از ۲۶ اثر که نه تنها خشونت و زیبایی این موقعیت را نشان می‌دهند، بلکه عمق احساسات درگیر در آن را هم منتقل می‌کنند. در گالری پایانی، «اندام واژه‌گون»، کتاب «آفت» به چشم می‌خورد، که همکاری پیکاسو با ایلینا زدانوویچ، شاعر مهم جنبش دادانیسم و سوررئالیسم، بود. در این کتاب، پیکاسو با شش اثر چاپی در کنار نوشته‌های زدانوویچ، ترکیب جالبی از هنرهای تصویری و ادبی به وجود آورده بود. این سه گالری هر کدام به شیوه‌ای متفاوت نشان می‌دهند که پیکاسو چگونه با استفاده از روش‌های خاص خودش، از دنیای اطرافش الهام می‌گرفت و آن را به شکل‌های جدید و جذاب به تصویر می‌کشید.

از ژاکلین کشیده است؛ پرتره‌هایی که هر کدام داستانی متفاوت و احساسات عمیق این دو نفر را روایت می‌کنند. اما نکته جالب این است که در این آثار، دیگر خبری از جسارت‌های کو بیستی پیکاسو نیست. در اینجا نقاشی به سمت آرامش و دلنشینی پیش رفته است. نگاه نافذ و جذاب آغاز شد. آبروی کمائی‌اش و ویژگی‌های منحصر به‌فرد صورتش، الهام‌بخش پیکاسو برای این آثار شده‌اند. این آثار با رنگ‌های محدود و فضا‌های ساده، ترکیب‌هایی خلق کرده‌اند که حتی با تکنیک‌های محدود، زیبایی و احساسات عمیق را به بهترین شکل ممکن به نمایش می‌گذارند.

آن حکایتی می‌کند. در روش معمول، پیکاسو باید چهار صفحه لیتونوم آماده می‌کرد، هر یک با رنگ خاصی و سپس آن‌ها را روی کاغذ قرار می‌داد. اما پیکاسو در این اثر از روش لیتونوم کلاسیک استفاده کرده است که پیچیده‌تر است. در این روش، هنرمند تنها یک صفحه لیتونوم را آماده می‌کند و آن را در چهار مرحله تراشیده و رنگ‌آمیزی می‌کند. هر بار که صفحه آماده می‌شود، آن را روی کاغذ پرس می‌کند و به این ترتیب نقاشی را به دست می‌آورد. این روش نیاز به تمرکز و دقت بالایی دارد و نتیجه کار آن قدر زیبا است که گاهی پیکاسو را به اشتباه مبدع این تکنیک می‌دانند. برای آشنایی بیشتر با دیدگاه‌های پیکاسو، در چند گالری قبلی می‌زی قرار داده شده بود که روی آن چند مهر با نمادهای موجود در نقاشی‌های پیکاسو دیده می‌شد. بازدیدکنندگان وقتی به این میز می‌رسیدند، یک برگه سفید از مسئولان آن بخش دریافت کرده و با استفاده از مهرها و جوهر، نقش‌هایی روی آن می‌زدند. در آخرین بخش از موزه، آثار هنرمندانی همچون پروانه اعتمادی، کارنیک درهاکوپیان، بهرام دبیری، محمدعلی ششیویی، هانیبال الخاص، بهمن محمص، محسن وزیری مقدم و جلیل ضیاپور به نمایش درآمده است.